



Understanding the Concept of "Cuckoldism" and the Causes of its Formation

Mohsen Karimpour^{1*}, Hossein Aghababaei¹

1. Department of Criminal Law, Faculty of Literature and Humanities, Guilan University, Rasht, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Sexual deviations have a long history in human life and can generally be considered behavior that goes against normal human behavior and natural norms, which can have widespread social and individual destructive effects. One of these lesser-known deviations is Cuckoldism, which can be briefly defined as a person's indifference to sexual relations outside the context of their spouse. The main reason for its formation being the institutionalization of a feeling of inadequacy in the individual. Understanding this deviation and the factors affecting its formation from a psychological perspective is a basis for the correction and treatment of sufferers, and from a criminological perspective, it also helps to prevent the occurrence of sexual crimes. Therefore, in this article, we will address the issue by answering the following questions: first, what is the nature of this deviation? And the second, what causes and factors play a role in its creation?

Method: This research is theoretical and the research method is descriptive-analytical. The data collection method is library-based and was conducted by referring to documents, books, and articles.

Ethical Considerations: In the present study, the principles of trustworthiness, honesty, impartiality, and originality of the work have been observed.

Results: Cuckoldism is a deviation based on masochism or sexual abuse in which a person experiences humiliation by their partner, but at the same time enjoys it. The factors that cause the person to feel inadequate and humiliated must be identified and appropriately addressed.

Conclusion: This deviation occurs following the formation of a feeling of inadequacy in the affected individual, and during the course of his or her development, factors can play a role in the emergence of this feeling, including childhood challenges and the failure to properly respond to the child's needs, and the subsequent failure to provide proper education on sexual concepts during adolescence and the habit of watching pornographic films, which causes the individual to misevaluate the realities of society and gradually normalizes unusual sexual relationships for the individual.

Keywords: Cuckoldry; Sexual Perversion; Inadequacy; Masochism

Corresponding Author: Mohsen Karimpour; **Email:** m.karimpour7373@gmail.com

Received: December 01, 2023; **Accepted:** February 26, 2024; **Published Online:** September 23, 2025

Please cite this article as:

Karimpour M, Aghababaei H. Understanding the Concept of "Cuckoldism" and the Causes of its Formation. Medical Law Journal. 2024; 18: e63.



شناخت مفهوم انحراف جنسی فاخته‌گری و علل شکل‌گیری آن

محسن کریمپور^۱، حسین آقابابائی^۱

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: انحرافات جنسی قدمتی به تاریخ حیات انسان داشته و به طور کلی می‌توان آن را رفتاری خلاف رفتارهای معمول و هنجارهای طبیعی انسان دانست که می‌تواند آثار مخرب اجتماعی و فردی گسترده‌ای به دنبال داشته باشد و یکی از این انحرافات کمتر شناخته‌شده انحراف کاکولدیسیم (Cuckoldism) می‌باشد که اختصاراً می‌توان آن را بی‌تفاوتی فرد نسبت به روابط جنسی خارج از چهارچوب همسر خود تعریف کرد که علت اصلی شکل‌گیری آن نهادینه‌شدن احساس ناکافی‌بودن در فرد می‌باشد. شناخت این انحراف و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن از بعد روان‌شناسی زمینه‌ای است جهت اصلاح و درمان مبتلایان و از بعد جرم‌شناسی نیز به پیشگیری از وقوع جرائم جنسی کمک شایانی می‌کند. بنابراین در این نوشتار موضوع را با پاسخگویی به اینکه اولاً ماهیت این انحراف چیست؟ ثانیاً چه علل و عواملی در ایجاد آن نقش دارند، دنبال می‌کنیم.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: انحراف کاکولدیسیم انحرافی مبنی بر مازوخیسیم یا آزارخواهی است که فرد هرچند احساس تحقیر توسط همسر خود را تجربه می‌کند، اما در عین حال از آن لذت می‌برد و عوامل که سبب به وجود آمدن احساس ناکافی‌بودن و تحقیر فرد می‌شود، باید شناسایی و به نحو مقتضی رفع شوند.

نتیجه‌گیری: این انحراف به دنبال شکل‌گیری احساس ناکافی‌بودن در فرد مبتلا رخ می‌دهد و در سیر مراحل تکامل وی عواملی می‌تواند در پیدایش این احساس نقش داشته باشد، از جمله چالش‌های دوران کودکی و عدم پاسخگویی صحیح به نیازهای کودک و در ادامه عدم ارائه آموزش صحیح مفاهیم جنسی در دوران نوجوانی و عادت به مشاهده فیلم‌های مستهجن که سبب ارزیابی نادرست فرد از واقعیت‌های جامعه می‌شود و به مرور روابط جنسی غیر معمول را برای فرد عادی‌سازی می‌نماید.

واژگان کلیدی: کاکولدیسیم؛ فاخته‌گری؛ انحراف جنسی؛ ناکافی‌بودن؛ مازوخیسیم

نویسنده مسئول: محسن کریمپور؛ پست الکترونیک: m.karimpour7373@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Karimpour M, Aghababaei H. Understanding the Concept of "Cuckoldism" and the Causes of its Formation. Medical Law Journal. 2024; 18: e63.

مقدمه

از دیرباز در جامعه ایران مفاهیمی نظیر ناموس و غیرت مردان نسبت به خانواده وجود داشته و این مفاهیم دارای قدمت طولانی می‌باشند و عمیقاً با فرهنگ ما عجین شده‌اند. پس از ورود دین اسلام به ایران، بنیان این مفاهیم به واسطه توجه احکام اسلامی نسبت به زنان و نهاد خانواده بیش از پیش تقویت گردید. ویل دورانت (William James Durant) در کتاب تاریخ تمدن خود در خصوص جایگاه اجتماعی زنان در زمان حکومت سلسله هخامنشیان بیان داشته است که بر اساس برخی مستندات به دست‌آمده در دوره سلسله هخامنشیان زنان و دختران پارسی مو و صورت خود را از دیگران می‌پوشاندند و علاوه بر آن زنان شوهردار حق نداشتند با هیچ مردی ارتباط خلاف عرف داشته باشد و مضافاً اینکه در کتیبه‌های هخامنشی، صورت و چهره هیچ زنی دیده نمی‌شود (۱). این مفاهیم مختص فرهنگ ایران نبوده و در جوامع غربی نیز عباراتی با مفاهیم نسبتاً مشابهی میان مردم رواج داشته و با ظهور دین مسیحیت، کتاب آسمانی انجیل نیز در بخش‌هایی از جمله بخش ۵۳ و ۸۸ مواردی را به مردان در خصوص لزوم توجه به همسر و حفظ کانون خانواده متذکر می‌گردد. در آموزه‌های کاتولیک هدف از برقرار رابطه جنسی تولید مثل بیان شده و هر نوع رابطه جنسی خارج از علقه زوجیت و با اهداف دیگر ممنوع است (۲). در فرهنگ دهخدا غیرت به حمیت، جرأت، ناموس‌پرستی و مترادف مروت و حسد تعبیر و واژه ناموس نیز مترادف احترام و آبرو و عرض و عیال بیان شده است (۳). این واژگان با معانی نسبتاً یکسانی در فرهنگ معین نیز تعریف شده و غیرت را معادل رشک و متضاد بی‌غیرتی و ناموس را هم به معنای نیک‌نامی و خانواده بیان گردیده است (۴). به طور کلی در مفاهیم اسلامی، غیرت حسی درونی دانسته شده که برای محافظت از حریم خانواده در وجود مرد نهاده شده است، مرد با همین صفت غیرت، ناموس خود را از دسترس لذت جویی و نگاه آلوده دیگران دور می‌کند و همسر خود را تنها در انحصار خود نگاه می‌دارد (۵). جان گری (John Gray) پژوهشگر انگلیسی که برداشت

نسبتاً مشابهی از این احساس را ارائه می‌کند، بیان می‌دارد: «زن، زمانی احساس آرامش خواهد کرد که احساس کند تسلیم کسی است که می‌تواند به او اعتماد کند و آن کس او را حمایت می‌کند و به او اهمیت می‌دهد، این نیاز درونی و واقعی زن است» (۶).

مفاهیم ناموس و غیرت با مفهوم اخص آن در محیط خانواده و میان زن و مرد تجلی معنایی پیدا می‌کند و گاه این مفاهیم که در اغلب جوامع بشری با اندکی تغییر در حدود و ثغور آن پذیرفته شده و از آن به عنوان هنجار تلقی می‌گردد، توسط برخی انحرافات جنسی مورد تعرض قرار می‌گیرند. قدمت تاریخی انحرافات جنسی با قدمت پیدایش موجود زنده برابر است، زیرا جنسیت و روابط جنسی برای بقای موجودات زنده‌ای که از دو جنس مخالف باشند، از جمله مظاهر اصلی و ارکان تعریف حیات است (۷). پارافیلیا (Paraphilia) یا همان انحراف جنسی، یک واژه یونانی مرکب از دو واژه «پارا» (παρά) به معنای «در کنار چیزی بودن» و «فیلیا» (φιλία) به معنای «عشق» می‌باشد (۸). جان مانی (John Money) - متخصص رفتارشناسی جنسی - در تعریف آن بیان داشته است «انحرافات جنسی، آن دسته تمایلاتی هستند که جایگزین رابطه جنسی معمول و هنجار نرمال می‌شوند» (۹). به عبارت دیگر این ناهنجاری‌ها جنسی خیال‌پردازی‌های غیر معمول، امیال شدید و یا رفتارهای جنسی هستند که معمولاً حالت تکراری داشته و از لحاظ جنسی براگیزاننده می‌باشند (۱۰)، اگرچه بسیاری از انحرافات جنسی فی‌نفسه جرم تلقی نشده و در دایره جرم‌انگاری مقنن قرار نمی‌گیرند، اما آنچه که اهمیت مطالعه انحرافات جنسی را بیش از پیش پررنگ می‌نماید، نقش مستقیم این انحرافات در ارتکاب بزه توسط افراد منحرف در آینده، تأثیرات اجتماعی و وضعیت بزه‌دیدگان احتمالی آن می‌باشد. یکی از این انحرافات جنسی فاخته‌گری می‌باشد که بنیان خانواده را با به چالش کشیدن مفهوم غیرت و ناموس متزلزل می‌نماید. در تعریف اجمالی آن می‌توان گفت این انحراف اشاره به فردی دارد که همسر یا شریک زندگی‌اش با دیگران رابطه جنسی دارد و او با این موضوع مشکلی نداشته باشد و حتی از آن لذت هم ببرد. این انحراف سبب می‌شود

یافته‌ها

انحراف کاکولدیسم انحرافی مبنی بر مازوخیسم یا آزارخواهی است که فرد هرچند احساس تحقیر توسط همسر خود را تجربه می‌کند، اما در عین حال از آن لذت می‌برد و عوامل که سبب به وجود آمدن احساس ناکافی بودن و تحقیر فرد می‌شود، باید شناسایی و به نحو مقتضی رفع شوند.

بحث

۱. **مفهوم‌شناسی کاکولدیسم:** معادل فارسی این انحراف جنسی فاخته‌گری می‌باشد و عبارت کاکولدیسم از واژه کاکولد (Cuckold) اقتباس شده که در فرهنگ واژگان انگلیسی لانگمن به این صورت تعریف شده است: «یک کلمه موهن در خصوص مردی که همسرش روابط جنسی نامشروع با سایرین دارد و مرد از آن مطلع است» (۱۱). در فرهنگ واژگان انگلیسی آکسفورد نیز عیناً همین عبارت در توضیح واژه Cucuault کاکولد به کار رفته است. ریشه لاتین این واژه Cucuault می‌باشد که در حال حاضر معادل انگلیسی آن Cuckoo به معنای پرنده کوکو یا فاخته می‌باشد. این پرنده به عادت خاص خود در خصوص نحوه تخم‌گذاری مشهور می‌باشد، چراکه او تخم‌های بارور شده را در خانه پرندگان دیگر می‌گذارد تا پرنده صاحب لانه، جوجه را بزرگ کند (۱۲). کاری که جوجه‌گذاری انگلی (Brood Parasite) نامیده می‌شود و جوجه‌های کوکو به طور نارس از تخم درمی‌آیند و به محض بیرون آمدن از تخم، تخم‌های میزبان را بیرون می‌اندازند، بدین ترتیب پرنده میزبان از آن‌ها مانند جوجه خود مراقبت می‌کند. اگرچه در طول تاریخ نسبت به این انحراف علت‌شناسی دقیقی صورت نگرفته، لیکن در منابع فقهی شیعه روایاتی در این خصوص وجود دارد و شخصی که مرد بیگانه‌ای را بر همسر خود وارد می‌کند، دیوث خوانده شده است (۱۳). در باب شهادت نیز شهادت چنین فردی را در محکمه قابل پذیرش نمی‌دانند.

از امام صادق (ع) نقل شده است که مرد بی‌غیرت، حتی بوی بهشت را هم استشمام نخواهد کرد و بی‌غیرتی مرد را در زمره

مردی که زمانی به دنبال ایجاد یک رابطه پایدار و حتی تشکیل خانواده با معشوقه‌اش بوده، دچار وضعیتی گردد که نه‌تنها از رابطه جنسی معشوقه‌اش با شخص سومی اطلاع دارد و مشکلی با آن ندارد، بلکه همین موضوع سبب تمتع جنسی او می‌گردد! آنچه در توضیح اجمالی این انحراف گفته شد، ضرورت انجام این پژوهش را تبیین می‌کند تا ضمن شناخت مفهوم انحراف فاخته‌گری به تحلیل علت‌شناسی آن بپردازیم، لذا برای تحلیل مطلب می‌توان دو پرسش اساسی را مطرح نمود که اولاً مفهوم این انحراف و ارکان تشکیل‌دهنده آن چیست؟ ثانیاً چه علل و عواملی در شکل‌گیری آن مؤثر می‌باشند؟ ضمناً لازم به ذکر است که سابقاً نسبت به انحراف فاخته‌گری در منابع فارسی به صورت مستقل پژوهشی صورت نگرفته، لیکن کتاب روان‌شناسی ورای گرایش کاکولدی (The Psychology Behind Cuckold Fetish) نوشته آقای گونیگال (Connor McGonigal) راجع به علل پیدایش این انحراف می‌باشد که در پژوهش حاضر عوامل مؤثر دیگری نظیر نقش آموزش در شکل‌گیری انحراف کاکولدیسم بررسی شده که از این حیث دارای نوآوری است و لذا با روش توصیفی - تحلیلی بدو به بررسی و ارائه تعریفی از انحراف فاخته‌گری و سپس به بررسی علل و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن خواهیم پرداخت.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

گناهان کبیره برشمرده‌اند (۱۴). در حدیث دیگری پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند «كَانَ إِبْرَاهِيمُ أَبِي غَيْرًا وَ أَنَا أُغْيَرُ مِنْهُ وَ أَرْغَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (۱۵).

انحراف کاکولدیسم مفهومی آشنا و دارای قدمتی زیاد در ادبیات غرب می‌باشد. شاهد مثال آن نمایش‌نامه مشهور ویلیام شکسپیر (William Shakespeare) به نام هیاهوی بسیار برای هیچ (Much Ado about Nothing) می‌باشد که در این اثر، شکسپیر برای نشان‌دادن احساس شک و تردید نسبت به وفاداری همسر برخی شخصیت‌های داستانی را دچار این انحراف می‌داند و آن‌ها را با داشتن شاخ روی سرشان به تصویر می‌کشد. این نماد برای اشاره به این موضوع است که خود آن‌ها نمی‌توانند شاخ‌های خود را ببینند، اما برای سایرین عیان بوده و می‌دانند که او یک شخص بی‌تعصب است (۱۶). در ادبیات ما نیز - هرچند به صراحت ادبیات غربی نمی‌باشد - لیکن به طور جزئی رد پای این انحراف قابل مشاهده است و داستان مفتون‌شدن قاضی بر زن جوحی در دفتر ششم مثنوی معنوی از مصادیق آن می‌باشد که جوحی برای باج‌خواهی از قاضی شهر حاضر شد همسرش را برای عشوه‌گری نزد او بفرستد (۱۷).

بررسی هر موضوع علمی در وهله نخست مستلزم ارائه تعریفی جامع از آن می‌باشد و در این نوشتار نیز پس از ذکر برخی مصادیق انحراف فاخته‌گری در تاریخ، به ارائه تعریفی از آن می‌پردازیم. در تعریف کاکولدیسم می‌توان گفت کاکولد فردی است که شریک زندگی‌اش با شخص دیگری رابطه جنسی برقرار کرده و او علاوه بر اینکه از این موضوع مطلع است و ممانعتی نمی‌کند، از آن لذت می‌برد و شخص سوم معمولاً یک ویژگی متمایز و برجسته نظیر قوای جسمانی یا وضعیت مالی بهتری نسبت به فرد منحرف دارد که همین امر باعث تحقیر او می‌شود (۱۸). این نوع اختلال مفهوم خیانت در زندگی مشترک و تحقیرشدن را که مضامینی مذموم هستند، منقلب کرده و سبب می‌شود که فرد با این احساسات التذاذ جنسی را تجربه کند.

نکته حائز اهمیت این است که در جوامع مختلف اعم از متشرع یا غیر متشرع، کاکولدیسم در زمره انحرافات جنسی

شناخته می‌شود، چراکه ذات انسان دارای کرامت و عزتمندی است و این موضوع اختصاص به دین و یا فرهنگ خاصی ندارد و کاکولدیسم سبب می‌شود این کرامت و عزتمندی در فرد منحرف لگدمال شود. دکتر رابرت ویس (Robert Weiss) روان‌درمانگر اختلالات جنسی در این‌باره معتقد است: اگرچه برقراری رابطه جنسی صرفاً در دایره رضایت طرفین تعریف می‌شود و زوجین هم مستثنی از این قاعده نمی‌باشند، لیکن چنین مردی که حاضر است همسرش را در حال رابطه جنسی با دیگران ببیند و از آن لذت ببرد، فردی ضعیف و خوار است که نه تنها مانع از این نمی‌شود که همسرش مرتکب چنین رفتاری نشود، بلکه با تحقیرشدن احساس لذت هم می‌نماید و هیچ مردی تمایل ندارد اینچنین باشد و از دید بسیاری از مردم چنین تمایلی ناپسند و غیر قابل تحمل می‌باشد (۱۹). به عقیده او این انحراف از طریق مشاوره‌های جنسی و در موارد شدیدتر با دارو قابل درمان است و متذکر می‌شود در بسیاری از موارد زوج مبتلا به این انحراف، فردی موفق و حتی دارای قدرت تحکم نسبت به بقیه می‌باشد، اما برای لذت‌جویی جنسی خود حاضر به تحمل این تحقیر می‌باشد، مضافاً اینکه در اغلب موارد مرد نسبت به وفاداری همسر خودش تردیدی ندارد و کاکولدیسم صرفاً به عنوان یک گرایش و برای ایجاد تنوع در روابط جنسی آن‌ها می‌باشد.

ممکن است سؤال شود که آیا انحراف فاخته‌گری مختص مردان است یا در میان زنان نیز وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت که این انحراف مختص مردان نمی‌باشد و در میان زنان نیز وجود دارد و در فرهنگ غربی واژه کاکولد را در خصوص مردان و واژه کاک کوئین (Cuckquean) در خصوص زنان مبتلا به این گرایش به کار می‌رود، لیکن از آنجا که زنان میزان بسیار ناچیزی از جامعه آماری افرادی مبتلا به این انحراف را تشکیل می‌دهند، اغلب این انحراف را مردانه می‌دانند، به نحوی که مطالعات انجام‌شده در سال ۲۰۱۷ در ایالات متحده آمریکا نشان داد صرفاً ۴ درصد از جامعه نمونه مربوط زنان است (۲۰).

نکته دیگری که تبیین آن در این مرحله و قبل از ورود به تحلیل ارکان اختلال فاخته‌گری ضروری می‌نماید، ذکر تفاوت

انحراف جنسی کاکولدیسم و ترولیسم (Troilism) می‌باشد. ترولیسم انحرافی است که فرد شریک زندگی خود را در حال رابطه جنسی با شخص سومی مشاهده و از آن لذت می‌برد (۲۱). در بادی امر ممکن است این دو گرایش جنسی یکسان به نظر برسد، لیکن در عین شباهت، وجه تمایز این دو انحراف احساس تحقیر فرد مبتلا به کاکولدیسم می‌باشد که وجود آن در انحراف ترولیسم ضروری نمی‌باشد؛ به بیان دیگر گرایش کاکولدیسم در زمره اختلالات جنسی مبتنی بر مازوخیزم (Masochism) قرار می‌گیرد و لذت‌جویی جنسی با تجربه احساس تحقیر ملازمه دارد (۲۲).

در توضیح احساس خیانت و تحقیر مستتر در کاکولدیسم باید گفت زمانی که زن و مرد وارد رابطه‌ای می‌شوند هر یک انتظاراتی برای حفظ آن رابطه دارند که اجابتشان مستقیماً به طرف مقابل مربوط می‌شود و احساس عزتمندی و پابندی طرفین به رابطه، از الزامات آن می‌باشد. از دیدگاه روان‌شناسی و در پاسخ به این سؤال که چرا مورد خیانت قرار گرفتن دردناک می‌باشد، بیان شده است زمانی که شخص مورد خیانت قرار می‌گیرد، احساس می‌کند به اندازه کافی خوب نیست و اینکه شریک زندگی‌اش شخص سومی را ترجیح داده است، وی را در موقعیت تحقیر شدن قرار داده و نسبت به احساس اعتماد و عزتمندی او خیانت شده است. کاکولدیسم همانطور که اشاره شد، بنیان این عواطف و احساسات را دگرگون ساخته و سبب می‌شود آنچه که باعث اضمحلال رابطه عادی و سالم زوجین می‌باشد، تبدیل به عاملی برای شهوت رانی و ارضای نیازهای جنسی شود (۲۳).

روان‌شناسان نحوه عملکرد مغز افراد مبتلا به این انحراف را به دو صورت توصیف کرده‌اند: برخی نظیر آقای استولر (Stoller) راهکار موسوم به «محافظت (Protection)» یا «درمان (Healing)» را در توجیه عملکرد مغز این افراد بیان نموده و چنین توضیح می‌دهد که وقتی فرد از جانب شریک زندگی خود مورد خیانت قرار می‌گیرد، عمیقاً احساس تألم می‌کند و مغز به دنبال نوعی واکنش تدافعی نسبت به این احساس عمیق اندوه می‌باشد و چون در کوتاه‌مدت قادر به حل مشکل

نیست، لذا برای رهایی موقت از این آلام روحی خود را مشتاق و علاقمند به چنین احساسی نشان می‌دهد و با تبدیل احساس رنج و ناخوشی ناشی از تحقیر به احساس لذت به طور موقت خود را از رنج ایجادشده خلاصی می‌دهد و در واقع تظاهر می‌کند که نه‌تنها از این اتفاق غمگین نمی‌باشد، بلکه احساس لذت نیز می‌نماید (۲۴). این همان فرایندی است که آقای بامایستر (Baumeister) روان‌شناس مشهور آمریکایی تحت عنوان «واکنش فرار (Escapism)» بیان نموده است (۲۵). برخی دیگر از روان‌شناسان عملکرد مغز را طور دیگری تفسیر می‌کنند و معتقدند که لذت‌جویی مغرط، از جمله لذات جنسی می‌تواند عامل شکل‌گیری این انحراف باشد و باعث کشش به سمت رفتارهایی می‌شود که بیش از پیش باعث تضمین بقا برای او باشد. به عبارت دیگر این گروه معتقد هستند که عملکرد مغز صرفاً بر اساس فرار از خطر نمی‌باشد، بلکه کشش ذهن برای کسب لذت مضاعف عامل شکل‌گیری این گرایش است (۲۶).

در ایران هیچ مرجع رسمی آماری در خصوص جامعه آماری افراد دارای انحراف کاکولدیسم منتشر نکرده، لیکن طی سال ۲۰۱۷ پژوهشی در این خصوص در ایالات متحده آمریکا صورت گرفت؛ بر اساس نتایج اولیه این پژوهش، حداقل ۱۰ و حداکثر ۳۰ درصد مردان آمریکایی مبتلا به این انحراف اعلام شدند که آماری تکان‌دهنده بود! اما آمار اعلامی دقت کافی در اعلام نتایج واقعی را نداشت، چون بر اساس آمار تست‌های ژنتیکی بود که مردان نسبت به فرزندان متولدشده از همسر خود انجام داده بودند که این آزمایش‌ها ممکن بود به دلایل متعددی، از جمله پزشکی یا قضایی انجام شود، لذا پس از پالایش اطلاعات مشخص گردید که از میان هر ۲۵ مرد یک نفر مبتلا به انحراف کاکولدیسم می‌باشد (۲۷).

۲. علت‌شناسی شکل‌گیری اختلال فاخته‌گری: پس از بیان مفهوم و ارکان انحراف کاکولدیسم، مهم‌ترین بخش یافتن علل و عوامل مؤثر در شکل‌گیری این انحراف می‌باشد که ذیل به احصا و توضیح هر یک خواهیم پرداخت:

۱-۲. دوران کودکی: دوران کودکی هر شخص بدون شک یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی می‌باشد، چراکه کودک از یکسو بسیار آسیب‌پذیر بوده و از سوی دیگر دورانی است که باید نسبت به جهان اطراف خود آگاهی پیدا کند و اگر در این خلال هر عاملی سبب شود تا در او احساس ضعف و کمبود نسبت به نیازهای اساسی‌اش شکل گیرد و یا فرآیند شناخت را مختل کند، در آینده آثار مخرب و بعضاً جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. این اثرپذیری و یا بهتر است بگوییم آسیب‌پذیری کودکی، در بازه ۱ تا ۵ سال که به سن بحرانی (Critical Age) موسوم است، بسیار شدیدتر می‌باشد، چراکه این بازه سنی اوج زمان شناخت کودک نسبت به محیط پیرامون خود می‌باشد.

عواملی که سبب شکل‌گیری احساس ضعف و کمبود در طفل می‌شود را می‌توان به دو جهت تقسیم و تفسیر کرد:

۱- نوزادان در بدو تولد موجوداتی کاملاً وابسته هستند و توانی در رفع نیازهای اولیه خود ندارند. نیازهایی مانند احساس امنیت، آرامش و محبت که این نیازها، اگرچه همه نیازهای نوزاد را دربر نمی‌گیرد، اما شامل نیازهای اولیه‌ای است که نقش مهمی در رشد جسم و روان او دارد و برای رفع این نیازها چاره‌ای جز توسل به والدین خود ندارد، لذا در این برهه زمانی به صورت مطلق به والدین خود وابسته است و رفع آن‌ها توسط والدین در شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیر چشم‌گیری دارد (۱۰).

۲- از میان همه نیازهای نوزاد در کنار والدین‌بودن از همه برای او اساسی‌تر است و او می‌داند که سایر نیازها با در کنار والدین‌بودن امکان تحقق و اجابت دارد و الا تحت هیچ شرایطی سایر نیازهای او برآورده نمی‌شود، فلذا بزرگ‌ترین ترس کودکان و نوزادان ترس از طردشدگی و تنهاماندن است، چون این امر معادل خطر مرگ برای او می‌باشد. از نظر روان‌شناسان، حتی زمانی که اجابت نیاز کودک به تأخیر می‌افتد یا به نحو مناسب برآورده نمی‌شود، هم مصداقی از طردشدگی برای کودکان است که شاید این موضوع برای والدین بالغ قابل درک نباشد. به طور مثال زمانی که پدر یا

مادر برای خرید یک اسباب‌بازی به علت مشغله کاری تأخیر می‌کند، تصور کودک این است که به اندازه کافی برای پدر یا مادرش اهمیت ندارد و والدین نمی‌توانند دغدغه‌های خود را داشته باشند، بلکه کودکان باید دغدغه همیشگی آن‌ها باشند. علت برداشت آن‌ها این است که ذهن کودکان هنوز به طور کامل تکامل نیافته و قادر به تجزیه و تحلیل درگیری‌های ذهنی والدین خود نمی‌باشد. این عدم تکامل می‌تواند منجر به این شود که وقتی والدین تصمیم به تنبیه کودک به خاطر یک رفتار اشتباهش می‌گیرند، او فکر می‌کند که دیگر والدینش مثل قبل او را دوست ندارند و رفتارش کلاً ایراد دارد و باید خود را تغییر دهد تا مورد قبول والدینش باشد و این احساس تغییر اجباری جهت رفع نیازها و فرار از طردشدن آن هم در سنی که کودک در حال فهم دنیای اطراف خود بوده و شخصیتش در حال شکل‌گیری می‌باشد، به مرور باعث ایجاد احساس ناکافی‌بودن و خلأهای روانی در او می‌شود (۱۸).

گاه کودک برای برآورده کردن نیازهای خود ممکن است رفتارهایی را انجام دهد که رفتار درست و صحیحی نیست (۲۸)، مثلاً کودکی که در خانه تنها مانده، ممکن است رفتار غیر معقولی را انجام دهد تا صرفاً توجه دیگران را به خود جلب کند و حتی چه‌بسا خود او نیز می‌داند که رفتارش باعث رفع نیازهای او نخواهد شد، اما دنبال جلب توجه کردن است و اگر از جانب والدین خود در قبال این رفتارها تنبیهات غیر متناسبی را دریافت کند، ممکن است سایر نیازهای اساسی او تحت‌الشعاع قرار گیرد. به طور مثال وقتی کودک برای غذا گریه می‌کند یا حتی رفتار غیر معمولی انجام می‌دهد و ناگهان مواجه با تنبیه بدنی شدید می‌شود، علاوه بر اینکه نیاز به غذا تأمین نشده است، بلکه امنیت جسمی و روانی وی نیز به خطر می‌افتد که طبعاً این موضوع نتیجه‌ای جز آنچه بالاتر ذکر شد، یعنی تشکیل عقده و احساس کمبود و احساس تغییر رفتار اجباری در کودک به دنبال نخواهد داشت.

از این رو دوران کودکی و نحوه پاسخگویی به نیازهای اساسی در تحقق بسیاری از اختلالات جنسی، از جمله انحراف فاخته‌گری بسیار مؤثر و مهم است و ریشه طیف زیادی از این اختلالات را می‌توان در دوران کودکی افراد پیدا کرد. در

فاخته‌گری دقیقاً آنچه مهم‌ترین دغدغه هر شخص در دوران کودکی، یعنی احساس طردشدن می‌باشد خود را جلوه می‌دهد و مردی که احساس ضعف و کمبود دارد و فکر می‌کند که به اندازه کافی خوب نیست، حاضر می‌شود شریک زندگی‌اش با مرد دیگری که از او قوی‌تر است، وارد رابطه شود و نتیجتاً همان حس ناکافی‌بودن و طردشدن بروز می‌یابد (۲۹). اگر پدر و مادر بتواند با سلوک خویش نیازمندی‌های عاطفی کودکان خود را برآورند، شاید مشکلاتی که بعدها در سنین جوانی خودنمایی می‌کند اصلاً به وجود نیاید و کودک در نخستین سال‌های زندگی بیش از هر زمان دیگر احتیاج به امنیت و محبت و نوازشگری‌های مادر دارد (۳۰).

علاوه بر آنچه ذکر شد، برخی از عادت‌ها و رفتارهای والدین در محیط خانواده می‌تواند در شکل‌گیری حس ضعف و کمبود میان فرزندان نقش کاتالیزوری ایفا کند. به طور مثال اعتیاد پدر یا مادر خانواده به مواد مخدر یا الکل یکی از این موارد است (۱۰). پدر و مادری که اعتیاد به الکل یا مواد مخدر دارند، نه تنها در تأمین نیازهای اولیه و اساسی کودکان خود دچار مشکل هستند، بلکه با رفتارهای غیر عادی خود سبب می‌شوند که کودک احساس امنیت جانی و روانی خود را نیز از دست بدهد و از همان کودکی احساس خلأ در امنیت خود داشته باشد. مثال دیگری که می‌توان ارائه کرد والدینی هستند که اعتیاد به قماربازی دارند. افرادی که اعتیاد به قماربازی دارند، گاه تا آخرین سکه دارایی‌شان را در قمار از دست می‌دهند و پس از آن حاضرند برای ارضای اعتیاد خود به قمار بر روی اعضای خانواده خود هم قمار کنند و وقتی کودکی در این فضای خانوادگی در حال شناخت محیط پیرامون خود می‌باشد، یقیناً احساس امنیت و ارزشمندی خود و خانواده را نخواهد فهمید، چراکه در شرایطی اعضای خانواده‌اش همانند یک کالا موضوع قمار پدر خانواده قرار می‌گیرند (۳۱). به طور کلی والدین می‌بایست در تربیت فرزندان خود حد اعتدال را رعایت نمایند و گفتار و رفتار آنان شکل منطقی به خود گیرد و آنچه مصلحت فرزند ایجاد می‌کند، در اختیار او قرار دهند، اگرچه ممکن است خوشایند

او نباشد (۱۰)، لذا می‌توان والدینی که وسواس و حساسیت بیش از حد نسبت به رفتار کودک دارند و به او اجازه هیچ‌گونه اشتباهی را نمی‌دهند و معتقدند که کودک باید از همان ابتدا همه کارهایش را بدون عیب انجام دهد یا والدینی که در خانه با خشونت نسبت به یکدیگر رفتار می‌کنند یا هر رفتاری از جانب اعضای خانواده که شناخت صحیح کودک از محیط و دریافت احساس محبت و امنیت و رفع حوائج اولیه‌اش را مختل نماید، می‌تواند در این دسته جای گیرد (۳۲).

۲-۲. رشد و تکامل: دومین عاملی که می‌تواند در شکل‌گیری این انحراف مؤثر باشد، نحوه تکامل پسران در جامعه است. تا قبل از مدرنیزه‌شدن جوامع بشری و رشد و پیشرفت چشم‌گیر تکنولوژی، پسران از نوجوانی در کنار پدران و برادران و عموهای خود بر روی زمین‌های کشاورزی فعالیت می‌کردند و مردانگی و خصایص آن را از آن‌ها می‌آموختند و غرایز مردانه آن‌ها شکل می‌گرفت، اما رفته‌رفته و با گسترش شهرنشینی‌ها و مهاجرت از روستا به شهر اوضاع متحول شد (۱۸). علی‌الخصوص در جوامع غربی که سیر تحولات صنعتی با سرعت چشم‌گیری در حال پیشرفت بود و همه کارگاه‌ها و کارخانه‌های بزرگ و کوچک برای افزایش تولید نیاز به نیروی کار فعال داشتند و این امر سبب شد تا مردان به جای فعالیت در زمین‌های کشاورزی به طور تمام وقت در کارخانجات صنعتی مشغول شوند و دیگر خبری از حضور پسران در کنار پدر خود نبود، بلکه وظیفه نگهداری و تربیت از فرزندان تا حد بسیار زیادی به مادران واگذار شد و طبیعتاً پسران بیش از پیش تحت تعلیم آموزه‌های مادران خود قرار گرفتند و مردان از صبح زود تا زمان غروب آفتاب مشغول فعالیت‌های شغلی بودند و عملاً فرصت مفیدی برای حضور در جمع خانواده نداشتند، مضافاً اینکه فعالیت زنان در اجتماع نیز معطوف به حضور در مراکز آموزشی، از جمله مهدکودک‌ها و مدارس شد و نتیجه اینکه پسران در خانه و مدرسه تحت تعلیم آموزه‌هایی قرار گرفتند که توسط زنان به آن‌ها آموخته می‌شد و در درازمدت روحیه آن‌ها را بیش از پیش حساس‌تر و لطیف‌تر کرد (۳۳).

البته که داشتن روحیه ملایم‌تر و حساس‌تر فی‌نفسه مذموم نمی‌باشد، اما وادارشدن کودکان به انجام رفتارهای خاصی که مغایر با طبع و غریزه مردانه آن‌ها بوده و سبب شود احساس کنند رفتار خودشان به خودی خود به اندازه کافی خوب نمی‌باشد و مستلزم تغییر است، بعد منفی این قضیه می‌باشد و در آینده سبب شکل‌گیری احساس ضعف و کمبودهای روحی در او خواهد شد. بنابراین ضروری است تا پسران برای شکل‌گیری روحیه مردانه خود در محیط‌هایی قرار گیرند که به شکل‌گیری صحیح شخصیت آن‌ها بیانجامد و مهم‌ترین شکل آن در دوران کودکی ارتباط صحیح با پدر و متعاقباً قرارگرفتن در جمع دوستان خود می‌باشد.

۲-۳. آموزش: از نظر ایمانوئل کانت (Immanuel Kant) فیلسوف سرشناس آلمانی مشکل‌ترین مسأله انسان هنر حکومت بر انسان‌ها و تعلیم و تربیت آن‌ها می‌باشد (۳۴). یکی از مهم‌ترین مصادیق آموزش، تربیت جنسی صحیح کودکان و نوجوانان می‌باشد. اولین برخورد نوزادان با محیط از طریق پدر و مادر و خواهران و برادران خود خواهد بود. قبول مسئولیت‌های فردی و اجتماعی از راه یادگیری و تقلید رفتار والدین ظاهر می‌شود و بسیاری از خانواده‌ها در اثر جهالت، سقوط فرزندان خود را تسهیل می‌کنند؛ مسائل جنسی را با آن‌ها مطرح نکرده و آموزش کافی نمی‌دهند و این امر زمینه‌ساز انحراف او خواهد بود (۳۰). یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری اختلال فاخته‌گری نیز بحث ارائه آموزش‌های جنسی به کودکان و نوجوانان می‌باشد. این آموزش‌ها می‌تواند شامل آموزش‌های صحیح جنسی، اخلاقی و اجتماعی در سنین مختلف توسط خانواده و سپس محیط‌های آموزشی باشد و بایستی مرز میان روابط سالم و انحرافات جنسی برای نوجوانان به طور دقیق ترسیم و تبیین شود. در مورد اینکه به کودکان و نوجوانان قبل از سن بلوغ در خصوص مسائل جنسی باید آموزش‌هایی ارائه شود، تردیدی وجود ندارد، اما محل اختلاف حد و حدود این آموزش‌ها می‌باشد. افراد نوجوان قبل از رسیدن به سن بلوغ و در آستانه آن در خصوص مسائل جنسی بسیار کنجکاو هستند و اگر نسبت به پرسش‌های آن‌ها

پاسخ صحیح و متناسبی ارائه نشود، ذهن پرسشگر آن‌ها اکتان نشده و طبعاً در بسترهای دیگری، از جمله دوستان و همسالان خود به دنبال پاسخ می‌گردند که گاه ممکن است اطلاعات غلطی دریافت کنند و یا بیش از میزانی که متناسب سن و شرایط او می‌باشد، دریابند و سبب برانگیختگی جنسی زود هنگام و انحراف او در آینده گردد. مطالعه سیر آموزش جنسی به کودکان در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که سه نوع روش را در این خصوص آزموده شده است که شامل: ۱- دوره پرهیز (Abstinence-Only Sex Education)؛ ۲- دوره پرهیز با آموزش مسائل بیشتر (Abstinence Sex Education)؛ ۳- آموزش جامع (Comprehensive Sex Education) می‌باشد. دوره پرهیز به معنای عدم برقراری هرگونه رابطه جنسی تا قبل ازدواج می‌باشد و پرهیز از رابطه جنسی را تنها راه اخلاقی و سالم برای نوجوانان تا قبل ازدواج معرفی می‌کند. دوره پرهیز با آموزش مسائل بیشتر، ناظر به نحوه جلوگیری از بارداری و آشنایی با وسایل پیشگیری از بارداری را آموزش می‌دهد، اما به عدم رابطه جنسی تا قبل از ازدواج تأکید دارد و سومین دوره هم آموزش جامع است که به بررسی رابطه جنسی به عنوان یک بخش طبیعی از زندگی هر انسان می‌پردازد.

نکته حائز اهمیت در بحث ارائه آموزش‌های جنسی به کودکان و نوجوانان این است که باید سن آن‌ها در ارائه مطالب لحاظ شود و به کودکان باید مفاهیمی نظیر حرمت تن و مراقبت از بدن خودش توسط والدین و اعضای دیگر خانواده آموخته شود و به دانش‌آموزان و دانشجویان آموزش‌های جامع‌تری ارائه شود و عدم رعایت این مهم سبب بلوغ زودرس در میان نوجوانان خواهد شد که می‌تواند عواقب بسیار جدی‌تری نظیر بارداری‌های ناخواسته به دنبال داشته باشد که به مراتب خطرناک‌تر است. این بلوغ زودرس رشد انسان در دیگر ابعاد خلقی، عاطفی، شناختی، اجتماعی، جنسی و مانند آن را نیز دچار مشکل و آشفتگی ساخته و از مسیر طبیعی خود منحرف می‌سازد. نتیجه چنین وضعیتی تنها به بروز مشکلات روحی و روانی فرد محدود نمی‌شود، بلکه تجربه‌های غلط جنسی دوران کودکی شخصیت و عملکرد انسان در بزرگسالی را نیز

تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و او را از امکان تعامل مناسب اجتماعی با اجتماع و افراد بازمی‌دارد که این گسستگی اجتماعی - همانطور که اشاره خواهد شد - خود می‌تواند زمینه‌ساز انحرافات جنسی او را فراهم سازد.

اثر دیگر ارائه آموزش‌های جنسی به دانش‌آموزان و دانشجویان توسط متخصصین این است که چنانچه فردی دارای عقده‌ها و سایر اختلالات شخصیتی باشد که ممکن است زمینه شکل‌گیری اختلال فاخته‌گری در آینده را فراهم نماید شناسایی می‌شود و با روش‌های درمانی زودتر اصلاح پیدا می‌کند و قطعاً هرچه زمینه‌های این اختلال سریع‌تر و در سنین پایین‌تری شناسایی شود درمان آن راحت‌تر خواهد بود، مضافاً اینکه در کنار این آموزه‌های جنسی مفاهیمی نظیر رابطه عاطفی، خانواده، احترام به نیازهای طرف مقابل و وفاداری آموخته می‌شود که سبب می‌شود چنانچه فرد وارد یک رابطه عاطفی شد، هر آنچه لازمه یک رابطه پایدار و صحیح است را فراگرفته باشد تا خود و شریک خود را دچار آسیب‌های روحی و جسمی ننماید (۳۵).

۲-۴. رسانه: زندگی امروزه ما پیوندی محکم و ناگسستنی با رسانه‌ها دارد و این رسانه شامل روزنامه‌ها، مجلات، تلویزیون و علی‌الخصوص اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌باشد که هر روزه حجم زیادی از اطلاعات درست و نادرست را وارد زندگی هر یک از ما می‌کند و نقش به سزایی در انتقال افکار و تشکیل انحرافات جنسی دارند؛ این وسایل ممکن است در تهذیب اخلاق و پرورش سجایای نیک و اعتلای سطح دانش و ایجاد سلیقه نو و ایمان پاک و خالص بسیار مؤثر و قوی باشند و برعکس امکان دارد از عوامل انحراف و بدآموزی‌ها، نفاق، دورویی و جدال و جنایت‌ها باشند (۳۰)، اما باید توجه داشت که تقریباً تمام این رسانه‌ها به نوعی دنبال کسب سود و فعالیت اقتصادی هستند و با هر ترفند و راهکاری دنبال جذب مخاطب خود هستند و از این رو صحت و سقم اطلاعات ارائه‌شده برایشان اهمیت چندانی ندارد یا حداقل اولویت آن‌ها نمی‌باشد، علی‌الخصوص رسانه‌هایی که نظارتی بر آن‌ها وجود ندارد و بنابراین بسیاری از ما با چنین تیتراهایی مواجه

شده‌ایم: ۱- چهارده اشتباهی که هر مردی مرتکب می‌شود؛ ۲- هشت مهارت ضروری که باید در روابط اجتماعی خود می‌دانستید؛ ۳- ده اشتباه رایج در پوشیدن لباس و ده‌ها مورد دیگر. گاه آنقدر در معرض مطالب و تبلیغاتی از این دست قرار می‌گیریم که بعضاً آن‌ها را باور کرده و سریعاً این مطلب را بررسی می‌کنیم تا مبدا یکی از این موارد نسبت به ما صادق باشد.

اصلی‌ترین علت شکل‌گیری انحراف کاکولدیسم حس کمبود و ضعف میان فرد است و در عصر حاضر، رسانه‌ها علاوه بر اینکه در انتشار محتواهای جنسی نقش بسیار پررنگی دارند، از سوی دیگر سبب شده‌اند تا به طور کلی بهترین شکل از هر چیزی در آن متجلی و منتشر شود؛ زمانی که افراد واقعیت زندگی خود را با ظاهر محتوای منتشرشده می‌سنجند، می‌بینند که فاصله زیادی با آن دارند و گاه این فاصله آنقدر زیاد است که رسیدن به آن محال به نظر می‌رسد و آن زندگی ایده‌آل که به تصویر کشیده شده، سنگ محکی برای مقایسه زندگی واقعی افراد می‌شود و نرسیدن به آن باعث می‌شود فرد خود و زندگی‌اش را پست بپندارد و این موضوع سبب شکل‌گیری احساس کمبود می‌شود که این موضوع در شکل‌گیری اختلال فاخته‌گری مؤثر است. مثال بارز این موضوع تبلیغات مربوط به لوازم آرایشی یا تناسب اندام می‌باشد که افراد حاضر در این تبلیغات یا ایراد جسمی محسوسی نداشته یا به طرق مختلف ایرادات پوشش داده می‌شود و وقتی یک فرد معمولی خود را با او مقایسه می‌کند، احساس نارضایتی از خود پیدا می‌کند و همین امر باعث پیدایش احساس کمبود و ضعف می‌شود و تا جایی پیش می‌رود که حاضر شود شریک خود را در اختیار کسی قرار دهد که نسبت به او برتری دارد.

۲-۵. ایدئولوژی: از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری انحراف جنسی فاخته‌گری می‌توان به ایدئولوژی حاکم بر فرد و جامعه اشاره کرد. در دین مبین اسلام همانطور که پیش‌تر اشاره شد، نسبت به چنین مردانی از ائمه معصومین (ع) روایات متعددی نقل شده و مردی که نسبت به همسر خود دارای غیرت و تعصب نباشد را دیوث خطاب و استشمام بوی بهشت را بر او

حرام دانسته‌اند و رفتار او را در زمره گناهان کبیره شمرده‌اند (۱۴). از این جهت رویکرد دین اسلام با چنین پدیده‌ای روشن است و هیچ‌گونه اغماض و مماشانی نسبت به این افراد نشان می‌دهد تاجایی که اگر زن متأهل طوعاً اقدام به ارتکاب زنا نماید، حسب مورد می‌تواند مستوجب مجازات شلاق یا رجم باشد. به تبع آن، نظام حقوقی ایران هم که متأثر از دین اسلام می‌باشد، اگرچه انحرافات جنسی را به صورت کامل جرم‌انگاری نکرده است، لیکن چنانچه انحرافات جنسی نظیر فاخته‌گری زوج منجر به ارتکاب جرائمی نظیر ارتکاب زنا از سوی زوجه شود قانوناً می‌تواند از مصادیق معاونت در جرم محسوب و مستوجب مجازات باشد، اما در جوامعی که احکام دینی یا قانونی در این خصوص وجود ندارد و برقراری روابط جنسی میان زن و مرد صرفاً در دایره رضایت طرفین تعریف می‌شود قضیه متفاوت است تا جایی که برخی روان‌شناسان غربی همه تمایلات انحرافی، از جمله کاکولدیسم را نه‌تنها ناپسند نمی‌دانند، بلکه آن را به عنوان عاملی که روابط جنسی زوجین را از حالت یکنواختی و تکرار خارج می‌کند و باعث تحکیم روابط زوجین از طریق تنوع در رابطه جنسی می‌شود، می‌دانند! لیکن همین دسته افراد به تبعات سنگین احتمالی این انحراف و امکان ازهم‌پاشیدگی زندگی مشترک تأکید می‌کنند (۳۶).

در سال ۲۰۰۸ برای بررسی این موضوع که آیا تقید به رابطه با یک فرد خاص تأثیری در شکل‌گیری انحراف کاکولدیسم دارد یا خیر، یک پژوهش تحقیقاتی صورت گرفت و نتایج آن بسیار قابل تأمل بود. نتایج پژوهش حکایت از این داشت افرادی که روابط جنسی با افراد متعدد تجربه کرده‌اند، تمایل بسیار بیشتری به تجربه کاکولدیسم نیز دارند و بالعکس آن دسته از افرادی که رابطه خود را با یک نفر به صورت بلندمدت ترجیح می‌دهند با این اختلال آشنابیتی نداشته و بعد اطلاع از اینکه ماهیت انحراف جنسی کاکولدیسم چه می‌باشد، آن را بسیار قبیح و غیر قابل تحمل دانسته‌اند! در توجیه نتایج به دست‌آمده می‌توان گفت زمانی که شخص رابطه خود را با یک نفر و به صورت بلندمدت شکل می‌دهد، آن رابطه به مرور عمیق شده و طرفین ضمن احساس آرامش از آن، به نیاز درونی خود مبنی بر احساس کافی‌بودن و دریافت تأیید متقابل

پاسخ لازم را داده‌اند، اما وقتی یک نفر روابط جنسی با افراد متعدد را تجربه می‌کند، ناخودآگاه به مقایسه میان آن‌ها پرداخته و از آنجا که طبع انسان سیری‌ناپذیر است، همیشه به دنبال فردی ایده‌آل می‌گردد تا رابطه جدید دیگری را تجربه کند و طبعاً احساس کفایت و دریافت تأییدی که لازمه اکتان شخصیت روانی او می‌باشد را دریافت نخواهد کرد (۳۷).

مثال دیگر در خصوص تأثیر ایدئولوژی حاکم بر شکل‌گیری انحرافات جنسی جامعه ژاپن می‌باشد. بر اساس آمار منتشرشده در سال ۲۰۲۰، ۲۰ درصد از زوج‌های ژاپنی اعلام نموده‌اند که روابط خارج از چهارچوب ازدواج را تجربه نموده‌اند و باربارا هولتوس (Barbara Holthus) جامعه‌شناس آلمانی که مطالعات خود را در زمینه جامعه‌شناسی ژاپن متمرکز نموده است، در توضیح این پدیده بیان می‌دارد که برای درک این میزان خیانت باید به نگرش جامعه نسبت به مفهوم ازدواج توجه کرد. در جامعه ژاپن هدف ازدواج فرزندآوری و تربیت آن‌ها می‌باشد و آمار ناچیز تولد نوزادان با پدر طبیعی مؤید این موضوع است و بسیاری از زوجین پس از تولد فرزندان رابطه جنسی با همسر خود نداشته و حتی جدا از یکدیگر می‌خوابند و این امر منجر به شکل‌گیری روابط جنسی خارج از خانواده می‌شود (۳۸). بدیهی است که عدم دریافت محبت و تأیید متقابل در محیط خانواده بین زن و شوهر می‌تواند باعث شکل‌گیری احساس ناکافی‌بودن و به تبع انحرافات جنسی نظیر کاکولدیسم گردد.

۲-۶. فیلم‌های مستهجن: در میان عوامل شکل‌گیری انحراف جنسی فاخته‌گری نقش فیلم‌های پورن غیر قابل انکار است. زمانی که فردی برای نخستین‌بار دیدن فیلم‌های پورن را تجربه می‌کند با ابتدایی‌ترین صحنه‌های جنسی دچار برانگیختگی می‌شود و احساس لذت را تجربه می‌کند، اما رفته‌رفته و با اعتیاد او به دیدن فیلم‌های پورن، دیگر مثل سابق به سادگی دچار برانگیختگی نخواهد شد و باید برای ارضای تمایلات خود فیلم‌های بیشتری را تجربه کند و به مرور فیلم‌های متعدد با یک موضوع خاص نیز پاسخگوی نیاز جنسی او نبوده و باید به دنبال موضوعات دیگری باشد که

بتواند او را از لحاظ جنسی تحریک کند. موضوعاتی که القاکننده احساس تابوشکنی باشد در رأس این هرم قرار دارند. در توجیه و توضیح این پدیده از لحاظ علم عصب‌شناسی (Neurology) می‌توان گفت زمانی که فرد برای دفعات اول فیلم‌های مستهجنی را مشاهده می‌کند، سیستم عصبی او هورمونی به نام دوپامین (Dopamine) ترشح می‌کند که موجب ایجاد احساس سرخوشی و خوشحالی در بدن او می‌شود، اما به مرور زمان مشاهده همان فیلم‌ها عادی شده و دیگر ترشح هورمونی صورت نمی‌گیرد، لذا باید به دنبال تعداد بیشتری از فیلم‌های پورن باشد. در حالت اعتیاد شدید فرد به مشاهده فیلم‌های پورن، صرفاً فیلم‌هایی که متضمن موضوعات تابوشکنی نظیر به اشتراک‌گذاشتن همسر هستند و موجب تحریک همزمان احساس ترس، لذت و هیجان می‌گردد باعث ترشح دوپامین و هورمون استرس و در نتیجه احساس لذت خواهد شد و این امر تا جایی پیش می‌رود که فرد به دنبال فیلم‌های پورن با موضوعاتی خواهد بود که عملاً وقوع آن‌ها در عالم واقع غیر ممکن است (۱۸).

نتایج یک پژوهش صورت‌گرفته در خصوص آثار اعتیاد به دیدن فیلم‌های پورن نشان داد افرادی که اعتیاد به دیدن فیلم‌های مستهجن دارند، برداشت و تصور غلطی از میزان رفتارهای جنسی شدید مانند کاکولدیسم و روابط جنسی گروهی در زندگی واقعی دارند (۳۹). به عبارت دیگر اعتیاد به این فیلم‌ها باعث عادی‌انگاری رفتارهای ناپه‌نجار در ذهن فرد می‌شود و تصور می‌کند که افراد متعددی در جامعه درگیر این انحرافات و گرایش‌های جنسی هستند یا افراد زیادی در سطح جامعه حاضرند به تمایلات شدید جنسی او تن دهند. نتیجه ارزیابی غلط این است که او احساس می‌کند شریک زندگی‌اش هم ممکن است چنین تمایلاتی داشته باشد و نسبت به تجربه رابطه جنسی با فرد دیگر علاقمند باشد و همین تصور منشأ شکل‌گیری احساساتی نظیر عدم وفاداری همسرش و یا کمبود در مرد می‌شود و این احساسات نقطه آغاز شکل‌گیری انحراف فاخته‌گری خواهد بود.

کاکولدیسم همانطور پیش‌تر اشاره شد، توأم با تحقیر فرد مبتلا به انحراف می‌باشد و این حس تحقیر اغلب با دیدن فیلم‌های پورن تشدید می‌شود، چراکه اساس و مبنای ساخت فیلم‌هایی با موضوع کاکولدیسم نشان‌دادن تحقیر شریک زندگی می‌باشد و تحقیرشدن نیز می‌تواند از حیث جسمانی یا وضعیت مالی باشد، اما رویکرد غالب در این انحراف، توجه به فیزیک بدنی شخص سوم می‌باشد. فردی که اعتیاد به دیدن فیلم‌های پورن با این موضوع پیدا کرده است ناخودآگاه خود را با همان شخص سوم مقایسه می‌کند و به مرور زمان سبب می‌شود که نتواند حتی فعالیت‌های عادی و همیشگی‌اش را با شریک زندگی خود داشته باشد (۴۰).

۷-۲. انزوا: آخرین عامل مؤثر در شکل‌گیری این انحراف جنسی انزوا و تنهایی مفرط می‌باشد. انسان‌ها ذاتاً موجوداتی اجتماعی هستند و از دیرباز به علل مختلف زندگی اجتماعی را ترجیح داده‌اند و در بعد فردی هم نقش روابط اجتماعی افراد در تکامل ابعاد گوناگون شخصیت آن‌ها غیر قابل انکار است. با اینکه ارتباط اجتماعی یک نیاز جدانشدنی از هر فرد می‌باشد، اما ممکن است برخی بنا به دلایلی مانند درونگرایی نتوانند ارتباط مفیدی برقرار کنند و همیشه با این موضوع دست و پنجه نرم کنند و حتی به خود تلقین کنند که برای زندگی نیازی به دیگران ندارند و در غار ترس خود پنهان می‌شوند. مهم‌ترین کارکرد داشتن روابط اجتماعی برای افراد، پاسخگویی به نیازهای عاطفی آن‌ها نظیر احساس تعلق به گروه‌های دوستانه و دریافت تأیید از آن‌ها و احساس دوست‌داشتن و دوست‌داشته‌شدن می‌باشد که با تحقق آن نتیجتاً احساس کافی بودن و رضایت از زندگی را برای فرد به ارمغان خواهد آورد. آن دسته افرادی که از اجتماع گریزان هستند در برقراری روابط اجتماعی صحیح نیز عاجزند و این موضوع تبعاتی نظیر افسردگی، اجتماع‌ستیزی، درون‌گرایی و احساس شرم از اجتماع را در پی خواهد داشت و جای تعجب نیست که این اجتماع‌گریزی ارتباط مستقیمی با شکل‌گیری تمایلات جنسی غیر متعارف دارد (۴۱).

بدون داشتن روابط اجتماعی، این افراد برقراری هرگونه روابط اجتماعی را به طور منفی تفسیر می‌کنند که منتهی به انزوا و تنهایی بیشتر آن‌ها خواهد شد. ذهن این افراد سیمای افراد عادی را به صورت دشمن تجسم می‌کند (۴۲). این همان چیزی است که روان‌شناسان از آن به خود تقویت‌کنندگی ذهنی (Self-Reinforcing Phenomenon) یاد می‌کنند. درگیری ذهنی یادشده سبب می‌شود که فرد نیت افراد پیرامون خود را همواره به صورت منفی تفسیر و تصور کند که آن‌ها قصد آسیب‌رساندن به او را دارند و همانطور که گفته شد این تصور نتیجه‌ای جز ترجیح عزلت و سردی روابط اجتماعی او ندارد و چنین فردی بعد اجتماعی شخصیت خود را نپرورانده و این عدم دریافت تأیید در اجتماعات مختلف سبب ایجاد احساس ضعف و کمبود و عقده‌های متعدد در روان فرد خواهد شد. با بروز نیازهای جنسی در این افراد و اختلاط آن با خلأهای عاطفی بروز انحرافات جنسی نظیر فاخته‌گری دور از انتظار نمی‌باشد، چون این افراد در زندگی زناشویی خود نیز تنهایی را ترجیح می‌دهند و از سوی دیگر هیچ گزاره‌ای مبنی بر تأیید خود از سایرین دریافت نمی‌کند و نقاط قوت دیگران برایش بسیار پررنگ‌تر جلوه می‌کند و خود را ضعیف‌تر از آن‌ها می‌داند و این احساس ضعف و تحقیر به مرور می‌تواند به تحقق و شکل‌گیری انحراف کاکولدیسم منجر شود.

نتیجه‌گیری

بسیاری از انحرافات جنسی در دایره جرم‌انگاری قانونگذاران نمی‌گنجد و چون اغلب جنبه بیمارگونه دارند، اتخاذ پاسخ‌های سرکوبگرانه کیفری نیز نمی‌تواند راهکار جامع و مناسبی برای پیشگیری و درمان آن‌ها باشد، البته خروج این انحرافات از دایره جرم‌انگاری قانون به معنای بی‌اهمیت‌بودن آن‌ها نمی‌باشد، چراکه خود می‌توانند زمینه‌ساز وقوع بسیاری از جرائم شده و یا آثار اجتماعی مخربی را به دنبال داشته باشد. انحراف کاکولدیسم یکی از انحرافات جنسی شناخته‌شده می‌باشد که در جوامع مختلف و با مقتضیات گوناگون به عنوان انحراف جنسی شناخته می‌شود، اگرچه در برخی جوامع نظیر

کشورهای اسلامی این انحراف ممکن است به رفتارهای مجرمانه منجر شود، لیکن در جوامع غربی هم که روابط جنسی حول محور رضایت طرفین تعریف می‌شود و اساساً رابطه جنسی طرفین که با رضایت است از مقوله جرم خروج موضوعی دارد، کاکولدیسم به عنوان انحراف جنسی محسوب می‌گردد، چراکه این انحراف باعث تذلیل عزتمندی و کرامت انسان می‌گردد و این مفاهیم اختصاص به فرهنگ یا جامعه خاصی ندارد. با وجود اینکه بر اساس آخرین نتایج به دست‌آمده از پژوهش‌ها میزان افراد مبتلا به این انحراف در برخی جوامع غربی حدود ۴ درصد می‌باشد، اما چون این انحراف باعث ریشه‌کن‌شدن بنیان خانواده به عنوان نخستین جامعه‌ای که باید افراد قابل و صالحی را برای جامعه تربیت کند می‌شود، لذا شناخت ارکان و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن مهم است. به طور کلی می‌توان گفت علت‌العلل شکل‌گیری این انحراف بروز احساس ناکافی‌بودن و کمبود است و عوامل دیگر در این پرتو تعریف و تبیین می‌گردد و احساس تحقیر فرد مبتلا به انحراف کاکولدیسم نیز بروز و تجلی همین احساس عدم کفایت می‌باشد؛ دوران کودکی سرمنشأ شکل‌گیری بسیاری از انحرافات جنسی، از جمله کاکولدیسم می‌باشد، چراکه ممکن است والدین در پاسخگویی به نیازهای اولیه و اساسی کودک که در شکل‌گیری بعد جسمی و روانی او مؤثر است، به نحو مطلوب عمل نکنند یا سیر مراحل رشد کودک به نوعی باشد که کودک تحت تعالیم افراد غیر همجنس خود قرار گیرد و غرایز طبیعی او به شکل صحیح نمو نیابد و احساس کفایت و عزتمندی کافی را دریافت نکند. عدم ارائه آموزش‌های جنسی و سردرگمی نوجوانان در مواجهه با دوران بلوغ و مسائل مختلف آن که می‌تواند به واسطه کنجکاوی جنسی توأم با آشنایی با بستر فضای مجازی و فیلم‌های پورن باشد نیز می‌تواند حل این معما را بیش از پیش دشوار کند و در کنار عوامل یادشده، گسترش روزافزون رسانه‌های جمعی و ترویج فرهنگ ایده‌آل‌گرایی هر یک به نوبه خود باعث ایجاد احساس ناکافی بودن و ضعف در افراد شود، لذا با شناخت عوامل مؤثر و اصلاح آموزه‌های حاکم بر جامعه می‌توان نهاد خانواده را بیش از پیش تقویت کرد و از بروز انواع انحرافات جنسی جلوگیری کرد.

مشارکت نویسندگان

محسن کریمپور: جمع‌آوری و ترجمه و تحلیل داده‌ها.
حسین آقابابائی: نظارت بر ساختار مقاله و انسجام، ساماندهی و تحلیل مطالب.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله حاضر، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Durant W, Durant A. History of Civilization. Translated by Aram A. 10th ed. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1958. Vol.1. [Persian]
2. Barnhill A. Bringing the Body Back to Sexual Ethics. Cambridge: Hypatia Press; 2013.
3. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. 7th ed. Tehran University Press; 1998. Vol.14. [Persian]
4. Moein M. Moein Persian Dictionary. 3rd ed. Tehran: Amir Kabir Publications; 1983. Vol.4. [Persian]
5. Davari Dowlatabadi E. Targol. 10th ed. Qom: Etalae Vatan Publications; 2013. [Persian]
6. Gray J. Men from Mars and Women from Venus. Translated by Niazi R. 12th ed. Tehran: Bostan-e Danesh Publications; 2014. [Persian]
7. Kaynia M. Fundamentals of Criminology. 6th ed. Tehran: Tehran University Press; 2003. Vol.1. [Persian]
8. Ohadi B. Human Sexual Desires and Behaviors. 8th ed. Isfahan: Sadegh Hedayat Publishing; 2006. [Persian]
9. Money J. Gay, Straight and in-between: The Sexology of Erotic Orientation. Oxford: Oxford University Press; 1990.
10. Azizi A. Prevention of Sexual Crimes. 1st ed. Tehran: Khorsandi Publications; 2013. [Persian]
11. Richards JC. Longman Dictionary. London: Longman Publisher; 2009.
12. Smidt R. Oxford Dictionary. Oxford: Clarendon Press; 2004.
13. Jabai Z. Al-Rawdha al-Bahiya in the explanation of al-Lama'ah al-Damasqiyyah. Damascus: Dhu al-Qirbi Publishing House; 1984. Vol.9. [Arabic]
14. Hor Amili M. Shi'ite means and mustards. Damascus: Al-Nashar al-Islami Foundation; 2003. Vol.20. [Arabic]
15. Majlisi M. Bihar al-Anwar. Beirut: Dar al-Kotob al-Islamiyya Publishing House; 1923. Vol.14. [Arabic]
16. Laurie L. Shakespearean Criticism. Farmington Hills, Michigan: Gale Research Company; 1984. Vol.1.
17. Balkhi M. Masnavi Manawi. 2nd ed. Tehran: Dostan Publications; 2011. [Persian]
18. McGonigal C. The psychology behind cuckold fetish. Manchester: Independently Published; 2019.
19. Weiss R. Out of the Doghouse, A Step-by-Step Relationship-Saving Guide for Men Caught Cheating. Deerfield Beach: Health Communication Incorporated; 2017.
20. Hupert ML, Gesselman AN, Moors AC, Fisher HE, Garcia JR. Prevalence of Experiences with Consensual Nonmonogamous Relationships: Findings from Two National Samples of Single Americans. Journal of Sex & Marital Therapy. 2017; 43(5): 424-440.
21. Milner J, Dopke C. Paraphilia Not Otherwise Specified: Psychopathology and theory. Edited by Laws DR, O'Donohue WT. 2nd ed. New York: Assessment and Treatment, Science Publications; 2008.
22. Rufus A. Cuckolding: The Sex Fetish for Intellectuals. London: The Daily Beast Publisher; 2010.
23. William T. Sexual Deviance: Theory, Assessment and Treatment. New York: Guilford Press; 2012.
24. Stoller R. Sexual Excitement: Dynamics of Erotic Life. New York: Pantheon Book; 1979.
25. Baumeister R. Masochism as escape from self. Journal of Sex Research. 1988; 25(1): 28-59.
26. Van derKolk B. The Body Keeps the Score. London: Penguin Publishing Group; 2015.
27. Cell Press. Cuckolded fathers rare in human populations. ScienceDaily. 2023. Available at: <https://www.sciencedaily.com/releases/2016/04/160405161120.htm>.
28. Amini K, Amini D. A review of a series of psychological topics. 1st ed. Tehran: Hegmataneh Comprehensive Publications; 2003. [Persian]
29. Jack M. The Erotic Mind: Unlocking the Inner Sources of Passion and Fulfillment. London: HarperCollins Publisher; 1995.
30. Kaynia M. Fundamentals of Criminology; Criminal Sociology. 6th ed. Tehran: Tehran University Press; 2003. Vol.1. [Persian]
31. Heinz A, Potenza M. Gambling disorder. Berlin: Springer; 2019.
32. Kafka M, Hennen J. A DSM-IV Axis I comorbidity study of males with paraphilias and paraphilia-related disorders. Sexual Abuse: A Journal of Research and Treatment. 2002; 14(4): 349-366.
33. Glover RA. No More Mr Nice Guy: A Proven Plan for Getting What You Want in Love, Sex and Life. Philadelphia: Running Press Adult; 2003. Vol.1.

34. Rajabipour M. Fundamentals of Social Prevention of Child and Adolescent Delinquency. 1st ed. Tehran: Montahi Publications; 2008. [Persian]
35. Carroll J. Discovery Series: Human Sexuality. Boston and Massachusetts: Cengage Learning Publications; 2012.
36. Kerner I. So Tell Me About the Last Time You Had Sex. New York: Grand Central Publishing; 2021.
37. Richters J, De Visser RO, Rissel CE, Grulich AE, Smith AM. Demographic and psychosocial features of participants in bondage and discipline, "somasochism" or dominance and submission: Data from a national survey. *The Journal of Sexual Medicine*. 2008; 5(7): 1660-1668.
38. Holthus B. Happiness and the Good Life in Japan. Milton Park: Taylor & Francis Publisher; 2017.
39. Zillmann D. Influence of Unrestrained Access to Erotica on Adolescents' and Young Adults' Dispositions toward Sexuality. *Journal of Adolescent Health*. 2000; 27(2 Suppl): 41-44.
40. Shamloul R, Ghanem H. Erectile dysfunction. Beijing: The Lancet Publisher; 2013.
41. Hoyer J, Kunst H, Schmidt A. Social phobia as a comorbid condition in sex offenders with paraphilia or impulse control disorder. *The Journal of Nervous and Mental Disease*; 2013. Vol.1.
42. Yoon KL, Zinbarg RE. Interpreting neutral faces as threatening is a default mode for socially anxious individuals. *Journal of Abnormal Psychology*. 2008; 117(3): 680-685.